



حلقه گمشده اقتصاد ورای وزارت اقتصاد

معرفی علی مدنی‌زاده به عنوان سکندار احتمالی وزارت اقتصاد، بی‌شک نویدبخش نگرشی آکادمیک و تخصصی به این حوزه است. سوابق علمی و تحلیلی او می‌تواند چراغ راهی برای تدوین سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر دانش باشد. اما واقعیت این است که سلامت اقتصاد یک کشور، تنها در گرو عملکرد یک وزارتخانه نیست و ده‌ها متغیر دیگر، از جنس سیاست‌گذاری کلان، روابط خارجی، ساختارهای اداری، قضایی و حتی فرهنگی، بر نمودارهای اقتصادی سایه می‌افکنند و اثری عمیق بر زندگی مردم، از جمله تورم و کاهش قدرت خرید آن‌ها، دارند. این بدان معنا نیست که وزارت اقتصاد نقشی ندارد؛ بلکه نقش آن در چارچوب متغیرهای بزرگ‌تر، تعریف و تجلی می‌یابد.

حتی در صورت حل شدن مشکل تحریم‌ها (که اتفاقاً متغیری بسیار اثرگذار و حیاتی است)، ساختارهای اقتصادی و اداری کشور نیاز به تغییرات اساسی دارند. در واقع، فضای شفاف و رقابتی برای فعالیت بخش خصوصی واقعی جهت سرمایه‌گذاری، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین حلقه‌های گمشده اقتصاد ایران است. اما این "حلقه گمشده" خود به حلقه‌های کوچک‌تر و متعدد دیگری وابسته است که از جمله باید استقلال نهادی و ثبات سیاست‌گذاری کلان اشاره کرد. در واقع یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که خارج از حیطه مستقیم وزارت اقتصاد قرار دارد اما مستقیماً بر آن اثر می‌گذارد، استقلال نهادهای بانک مرکزی است. کنترل تورم، مدیریت نرخ بهره و سیاست‌های پولی، ابزارهایی در دست بانک مرکزی هستند که بدون استقلال کافی از فشارهای سیاسی و مالی دولت، نمی‌توانند اثربخشی لازم را داشته باشند.

ادامه در صفحه ۲



آیا مذاکرات به بن بست رسیده است؟

مسیر سخت توافق

گروه سیاسی: مذاکرات گره پیچیده ای دارد با این حال مجید تخت روانچی در پاسخ به این سوال کهد آیا مذاکرات ایران و آمریکا به بن‌بست خورده است؟ می گوید: «خبر، من اصلاً اصطلاح بن‌بست را مناسب نمی‌بینم. در مذاکرات بین‌المللی همیشه فراز و نشیب زیادی وجود دارد. یعنی چه در بحث‌هایی که مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی است و چه در حوزه‌هایی مانند تجارت بین‌الملل، هر مذاکراتی که جنبه بین‌المللی داشته باشد حساسیت‌های خاص خود را دارد و حوصله و صبر زیادی لازم است تا این مذاکرات به نتیجه برسد. بنابراین اینکه بخواهیم زود درباره مذاکراتی که فقط چند ماه است شروع شده، نتیجه‌گیری کنیم، به نظر من کار مناسبی نیست. طبیعی است که در مذاکرات ما در دوران قبلی هم مراحل دشواری بوده که واقعاً فکر می‌کردیم به هیچ وجه به نتیجه نخواهیم رسید، اما آن مرحله را پشت سر گذاشتیم.»

همچنین استاد ژئوپلیتیک در رابطه با سناریوهای احتمالی در توافق هسته‌ای ایران و آمریکا گفت: در حال حاضر، ممکن است به صورت موقتی این مسئله حل شود؛ مثلاً یک دوره‌ای تعلیق گردد. زمان‌های مختلفی پیش‌بینی می‌شود یا کنسرسیوم به‌صورت مشترک با همکاری آمریکا، ایران و برخی از کشورهای عربی فعالیت شود. لذا واقعاً مشخص نیست، من فکر نمی‌کنم که اکنون فقط یک راه‌حل وجود داشته باشد.

عبدالرضا فرجی‌راد استاد ژئوپلیتیک در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، در رابطه با سناریوهای احتمالی که در آینده مذاکرات ایران و آمریکا وجود دارد، تصریح کرد: در حال حاضر، هیچ چیزی قطعی نشده است. البته آقای پزشکیان به عمان سفر کرد و با پادشاه و محافل آنجا مشورت‌های خصوصی انجام داده که ممکن است مسائل را تا حدی جلو ببرد و روشن‌تر کند. مشورت‌هایی صورت گرفته و آن‌ها حتماً با آمریکایی‌ها مشورت کرده و اطلاعات را به مقامات ایرانی منتقل کرده‌اند. پس از آن نظر مقامات ایرانی را دریافت و منتقل می‌کنند. به نظر من، کارهایی در سطح بالا هم در حال انجام است تا بتوانند راه‌حلی پیدا کنند. آنچه که مهم است، هر دو طرف اراده دارند که از طریق دیپلماسی این مسئله را حل کنند. دولت آمریکا به شدت بر این موضوع تأکید دارد و بحث‌های مربوط به حمله و فشار در مصاحبه‌هایشان کمتر شده است.

شرح در صفحه ۲



منحه ۶



منحه ۱



منحه ۱۱

توافق هسته‌ای، پیروزی راهبردی ایران و کشورهای خلیج فارس در مقابل اسرائیل

سعودی و امارات متحده عربی همگی توصیه‌هایی علیه جنگ داشته و در روابط تهران و واشنگتن به عنوان میانجی عمل کرده‌اند. واضح‌ترین دلیل رویکرد فعلی این کشورها ترس از تأثیری است که جنگ بر اقتصاد آن‌ها خواهد داشت. عربستان سعودی و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس اساساً یک توافق هسته‌ای را دارای نقشی محوری برای دستیابی به موازنه قدرت جدید در غرب آسیا می‌دانند.

طبق این گزارش، حمایت کشورهای حاشیه خلیج فارس از توافق هسته‌ای ایران و آمریکا تا حدی ناشی از تغییر موضع رژیم صهیونیستی در منطقه است. این رژیم در عین پیشبرد حملات به غزه با احساس پیروزمندانه‌ای آماده می‌شود تا سلطه خود بر کل غرب آسیا را اعمال کند. این رژیم حملات متجاوزانه در جنوب لبنان و اشغال و حملات به مناطق گسترده‌ای از سوریه را ادامه می‌دهد. این در حالی است که بازبرگاز بافغود منطقه از جمله ایران، کشورهای حاشیه خلیج فارس و ترکیه در دربارزد در مقابل سلطه یک بازیگر منطقه‌ای ایستادگی کرده‌اند. اکنون ایران، کشورهای عربی و ترکیه با وجود قصد این رژیم برای تبدیل شدن به قدرت بی‌رقیب منطقه‌ای، برای ایجاد یک موازنه جدید به یکدیگر نیاز دارند. صهیونیستی با ایران خواهد شد که احتمال رسیدن این درگیری به مرزهای آن‌ها وجود دارد، همچنین از تثبیت سلطه بی‌رقیب منطقه‌ای رژیم صهیونیستی جلوگیری می‌کند.

فارن افزر در پایان نوشت: ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس به یکدیگر و به یک توافق هسته‌ای نیاز دارند. این تحولی خوشایند است که منجر به اعتمادسازی میان این کشورهای همسایه در حاشیه خلیج فارس و تعمیق تعامل آن‌ها از جمله از طریق همکاری‌های امنیتی، سرمایه‌گذاری و تجارت می‌شود. علاوه بر این، انسریگیری روابط این کشورها با ایران نیاز به کنار گذاشتن روند عادی‌سازی روابط با اسرائیل نیاز دارد. رهبران این کشورها نمی‌خواهند دست به انتخابی دشور میالی ایران و اسرائیل بزنند. آن‌ها خواهان روابط با هر دو طرف هستند تا توازنی منطقه‌ای برقرار کنند که به نفع کشورهای آن‌ها باشد و موجب ایجاد صلح و ثبات در این منطقه شود که برای اهداف اقتصادی آن‌ها حیاتی است. یک توافق هسته‌ای می‌تواند راهبرد کشورهای حاشیه خلیج فارس را با سیاست‌های ایالات متحده در غرب آسیا همسو کند که بعداً می‌تواند در یک شراکت راهبردی رسمی بین آمریکا و عربستان سعودی تثبیت شود.

با توسعه برنامه هسته‌ای خود و حمایت از جنگ حوثی‌های

یمن(جنبش انصارالله) علیه کشورهای حاشیه خلیج فارس به فشارهای آمریکا پاسخ داد. حتی حملات مستقیمی به منافع آمریکا و کشورهای حاشیه خلیج فارس در سال ۲۰۱۹ انجام شد. این کشورهای عربی پیش از عملیات هفت اکتبر نیز اعتمادشان به راهبرد واشنگتن را از دست داده بودند.

عربستان سعودی در مارس ۲۰۲۳ طی اقدامی بی‌سابقه با میانجی‌گری چین توافقی برای عادی‌سازی روابط با ایران انجام داد. یکی از مزایای فوری این اقدام متوقف شدن حملات حوثی‌ها علیه عربستان سعودی و امارات متحده عربی بود. کشورهای حاشیه خلیج فارس همچنان نسبت به گسترش روابط با اسرائیل متعهد ماندند اما برقراری تعادل میان ایرانو اسرائیل دشوار شده بود.

پس از درگرفتن جنگ غزه روند عادی‌سازی روابط میان عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی متوقف شد. گروه‌های محور مقاومت، از جمله حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن وارد درگیری مستقیم با رژیم صهیونیستی در پاسخ به اقدامات آن در غزه شده بودند. دولت بایدن گمان می‌کرد که این درگیری منطقه‌ای احتمال شکل‌گیری اتحاد امنیتی اسرائیل-کشورهای حاشیه خلیج فارس را تقویت خواهد کرد اما کشورهای حاشیه خلیج فارس از وارد شدن به این درگیری رویگردان بودند. کشورهای عربی همچنین باید خشم فراینده ملت‌هایشان نسبت به جنایت‌های رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه را نیز در نظر می‌گرفتند که مانع از هرگونه تقویت بیشتر همکاری عربی-اسرائیلی می‌شد.

ضرورت ایجاد موازنه‌ای جدید با حضور پررنگ ایران
رسانه آمریکایی با اشاره به این که رژیم صهیونیستی در پی تحولات منطقه ناشی از درگیری‌های آن با گروه‌های مقاومت بازگشت ترامپ به کاخ سفید را فرصت مناسبی برای وارد آوردن ضربه محکمی به ایران، ویران کردن تاسیسات هسته‌ای و زیرساخت‌های اقتصادی آن طی حمله‌ای متجاوزانه به ایران یافته بود، نوشت: ترامپ مطابق سناریوی مورد انتظار اسرائیل عمل نکرده است. رئیس‌جمهور آمریکا با نگرانی از این که حمله نظامی به ایران آمریکا را وارد جنگی پر هزینه کند، در مقابل فشارهای اسرائیل برای کنار گذاشتن دیپلماسی و برپا کردن جنگی علیه ایران خودداری کرده است. او حالا در تلاش برای دستیابی به چیزی است که در دولت اولش آن را فسخ کرد، یعنی توافقی هسته‌ای. کشورهای حاشیه خلیج فارس که سال‌های گذشته با توافق هسته‌ای پیشین مخالفت کرده بودند، حالا از این اقدام او حمایت می‌کنند و طرفدار دیپلماسی با ایران هستند.

از زمان بازگشت ترامپ به کاخ سفید، عمان، قطر، عربستان

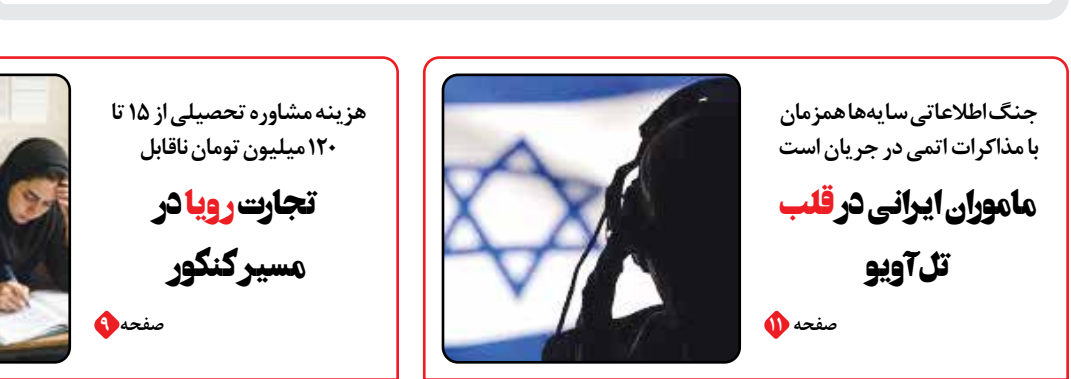
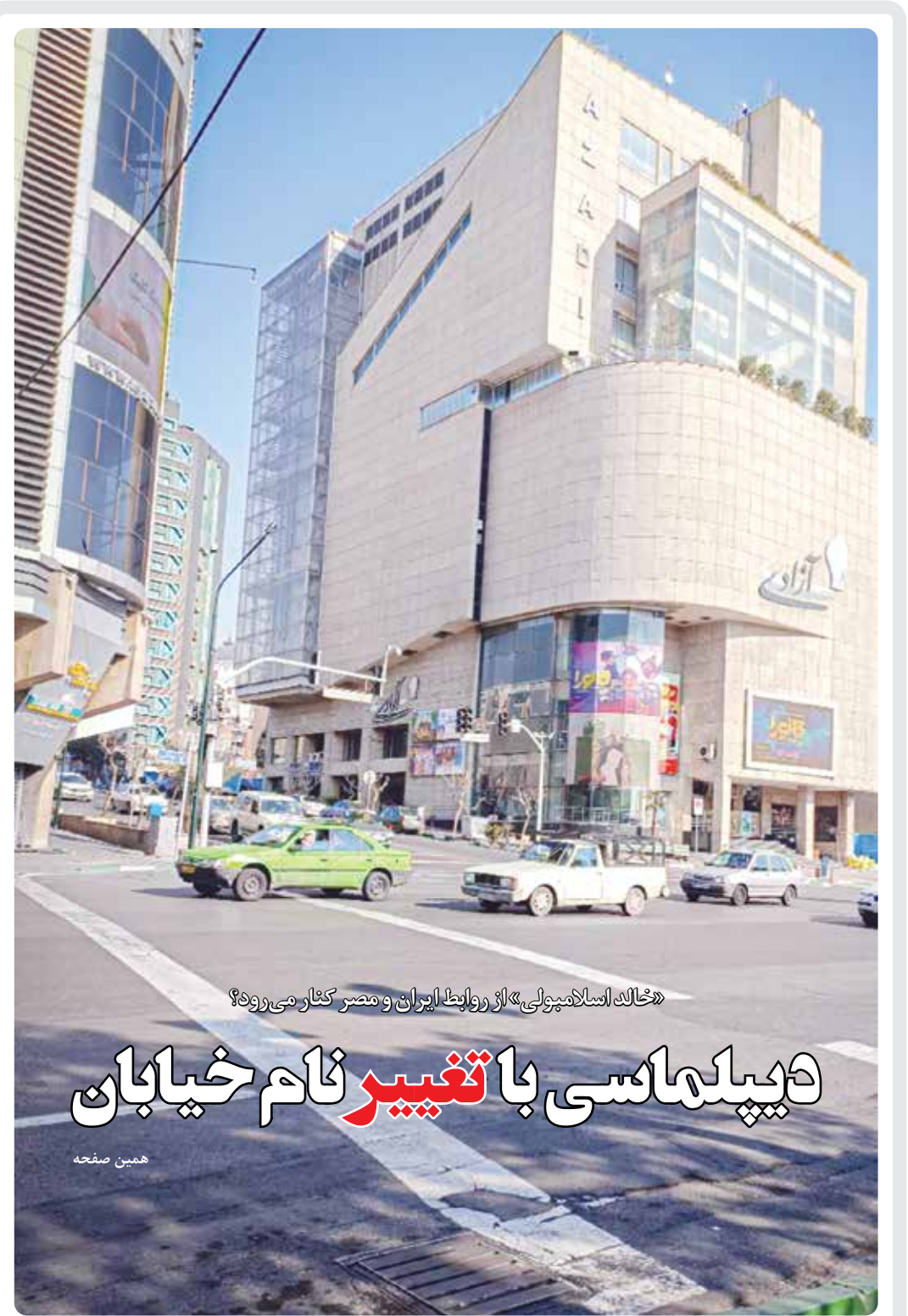
شکست راهبرد ترامپ-بایدن برای تشکیل محور اسرائیلی-عربی

فارن افزر با اشاره به پیشینه مخالفت عربستان سعودی و امارات متحده عربی با تلاش آمریکا برای دستیابی به توافقی هسته‌ای با ایران هم‌زمان با تحولات بهار عربی در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱ و هشدار «بنیامین نتانیاو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در کنگره آمریکا در سال ۲۰۱۵ که هرگونه توافق با ایران را باعث تقویت نقش منطقه‌ای آن و محور مقاومت می‌دانست، نوشت: اگرچه اسرائیل و متحدان واشنگتن در حوزه خلیج فارس ممکن است چشم‌انداز هژمونی ایران در غرب آسیا را بیش از اندازه بزرگ‌نمایی کرده باشند، اما این انکارناپذیر است که آشفتگی آن سال‌های جهان عرب، موازنه بین منطقه‌ای را به نفع ایران تغییر داده بود. توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ برای مخالفان ایران در منطقه نه فقط درباره توانمندی‌های هسته‌ای ایران، بلکه نفوذ نسبی ایران نیز بود. بر اساس این توافق، ایران در ازای محدود کردن برنامه هسته‌ای خود از لغو تحریم‌ها بهره‌مند می‌شد اما الزامی برای کنترل نیروهای نیابتی آن وجود نداشت. در نتیجه، این توافق در عین این که برنامه هسته‌ای ایران را محدود و از دستیابی ایران به سلاحی هسترش جلوگیری می‌کرد، در بر دارنده خطر افزایش نفوذ آن بود.

ترامپ در برابر این فشارها در سال ۲۰۱۸ از توافق هسته‌ای خارج شد و کارزار فشار حداکثری را با این امید علیه ایران در پیش گرفت که با فشارهای تحریمی و سیاسی، منجر به تضعیف ایران و کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران در یک نظم جدید منطقه‌ای شود که رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی در آن نقش محوری داشته باشند. ترامپ در همین راستا به دنبال گسترش همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی عربی-اسرائیلی بود که به «توافق ابراهیم» در سال ۲۰۲۰ برای عادی‌سازی روابط برخی از کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی منجر شد.

«جو بایدن» رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا نیز در دولت خود همین رویکرد را در قبال ایران در پیش گرفت و به‌رغم ادعای او اولویت قرار دادن احیای توافق هسته‌ای، نتوانست به این توافق بازگردد. بایدن نیز مانند ترامپ بر شکل دادن محور عربی-اسرائیلی متمرکز بود. دولت بایدن پیش از عملیات هفت اکتبر حماس گمان می‌کرد تلاش‌ها برای عادی‌سازی روابط میان عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی در آستانه رسیدن به یک توافق قرار دارد.

در این مطلب با اشاره به این که تحولات بعدی منطقه نشان داد دولت بایدن تا چه اندازه در این زمینه گمراه شده بود، با ادعاهایی علیه نقش منطقه‌ای ایران مطرح شد: راهبرد ترامپ-بایدن تنها موجب تشدید تنش‌های منطقه‌ای شد. ایران



سایت خبری الجاده به نقل از یک منبع سیاسی ایرانی نوشت: «مقامات ایرانی تصمیم گرفته‌اند نام خیابان خالد اسلالمبولی در تهران را به خیابان شهید سید حسن نصرالله تغییر دهند.» احتمالاً باید تکلیف اقدامات مشابه آن حساسیت وجود دارد نیز مشخص شود. یک رسانه عربی، مدعی تغییر نام خیابان خالد اسلالمبولی تهران به شهید سیدحسن نصرالله شد. اقدامی که برای بهبود روابط ایران و مصر اهمیت زیادی دارد. تا لحظه تنظیم این گزارش، صحت خبر از سوی مقامات رسمی ایران یا مصر تأیید یا تکذیب نشده است. به گزارش فاررو، سایت خبری الجاده به نقل از یک منبع سیاسی ایرانی نوشت: «مقامات ایرانی تصمیم گرفته‌اند نام خیابان خالد اسلالمبولی در تهران را به خیابان شهید سید حسن نصرالله تغییر دهند. یک منبع سیاسی ایرانی به الجاده گفت که این گام، صفحه پیچیده‌ای را در روابط مصر و ایران می‌گشاید و راه را برای احیای روابط عمیق بین دو کشور هموار می‌کند.»

رفع یک مانع قدیمی
خالد اسلالمبولی عضو ارتش و یکی از اعضای جهاد اسلامی مصر بود که در سال ۱۹۸۱ با همراهی چند نفر از همکارانش، انور سادات رئیس‌جمهور وقت مصر را در یک مراسم رژه ترور کردند. دولت مصر او را به عنوان یک تروریست می‌شناسد. نام او در سال‌های تیرگی روابط ایران و مصر بر خیابان وزرا گذاشته شد. البته پیش از آن، در سال ۱۳۵۸ به دستور امام خمینی (ره) روابط دیپلماتیک تهران و قاهره قطع شده بود. این قطع دو دلیل داشت؛ از جمله پذیرش شاه توسط انور سادات و همچنین انعقاد پیمان صلح کمپ‌دیوید میان مصر و اسرائیل. انگیزه خالد اسلالمبولی و همراهانش از ترور سادات نیز پیمان صلح کمپ‌دیوید بین اسرائیل و مصر توسط سادات بود. انتخاب نام خالد اسلالمبولی برای خیابان وزرا یکی از قدیمی‌ترین مشکلات برای احیای روابط میان تهران و قاهره است. دوبرا برای تغییر نام این خیابان در دوران خاتمی و احمدی‌نژاد تلاش‌ایی صورت گرفت اما دلیل توقف آن‌ها مشخص نیست. سیدمحمد خاتمی اولین رئیس‌جمهور ایران بود که در سال ۱۳۷۹ با حسنی مبارک رئیس‌جمهور وقت مصر در ژنو دیدار کرد.

محمود احمدی‌نژاد در سال ۱۳۹۱ نخستین رئیس‌جمهور ایران بود که با دعوت رسمی محمد مرسی رئیس‌جمهور وقت مصر به این کشور سفر کرد. سید ابراهیم رئیسی در آبان ۱۴۰۲ در حاشیه نشست اجلاس سران سازمان همکاری اسلامی در ریاض، با عبدالفتاح السیسی رئیس‌جمهور مصر دیدار کرد. مسعود پزشکیان نیز در سال ۱۴۰۳ دو دیدار با السیسی در حاشیه اجلاس بریکس در کازان روسیه و همچنین اجلاس دی ۸ در قاهره داشت. پروژه جدید بهبود روابط میان ایران و مصر از دوران دولت سیزدهم آغاز شد. سیدعباس عراقچی در آخرین سفر دیپلماتیک خود، ابتدا به قاهره و سپس به بیروت رفت. او در جریان حضورش در قاهره، علاوه بر دیدار با همتای مصری خود، با سه وزیر خارجه سابق مصر نیز دیدار کرد و همچنین ملاقاتی با عبدالفتاح السیسی نیز داشت. با توجه به برقراری تماس‌های نزدیک میان ایران و مصر در سال‌های گذشته و تلاش برای برقراری روابط دیپلماتیک میان دو کشور، تغییر نام این خیابان دور از ذهن نیست. احتمالاً باید تکلیف اقدامات مشابه مصر برای نامگذاری برخی خیابان‌ها به نام‌هایی که در جمهوری اسلامی روی آن حساسیت وجود دارد نیز مشخص شود.

خیابان سلیمان خاطر در تهران نیز اگرچه شرایطی مشابه خیابان خالد اسلالمبولی دارد اما حساسیتش به آن اندازه نیست. سلیمان محمد عبدالحمید خاطر مرزبان مصری بود که در سال ۱۳۶۴ (۱۹۸۵) چند اسرائیلی را در منطقه مرزی دوکشور به رگبار بست. روایت‌های متفاوتی از علت این اقدام سلیمان خاطر وجود دارد. او در دادگاه نظامی مصر به حبس ابد محکوم و در همان سال خبر خودکشی او در زندان منتشر شد. خبری که همچنان به دیده شک به آن نگاه می‌شود. بر اساس گزارش رسانه اماراتی العین «نام خیابان سلیمان خاطر در تهران نیز برای دولت مصر غیرقابل‌قبول است» اما برای قاهره حساسیت کمتری نسبت به نام خالد اسلالمبولی دارد.

* فوق دکترای رسانه‌های اجتماعی

محمدرضا طراوتی*

حادثهٔ تلخ قتل مرحومه الهه حسین نژاد به دلایل متعدد از جمله ویژگی‌های نمادین قربانی (جنسیت و سن) و حساسیت اجتماعی پیرامون امنیت بانوان لزوم دریافت گواهی سلامت روان برای رانندگان را در رسانه ها و مسئولین مطرح کرد.

بدون شک سلامت روان رانندگان به ویژه در حوزه حمل و نقل عمومی از اهمیت بالایی برخوردار است. رانندگان روزانه با ده ها انسان در ارتباط هستند و تحت فشار پیوسته بی خوابی، استرس و فرسایش جسمی مواجه قرار دارند،